



نگاهی به مطبوعات



Arthur Brisbane

آرتور بریزبان نویسنده معروف
و طراز اول امریکائی در مسائل

اخلاقی و اجتماعی، نکات و
دقایق بسیاری را با ابتکار و
قریحه مخصوص برشته تحریر
در آورده و بعضی از مقالات
وی توسط آقای یوسف اعتصامی
استاد معظم نثر فارسی و مترجم
عالی مقام رشته ادبی ترجمه
گردیده است.

آرتور بریزبان نویسنده،
از مستر ویلیام هریت مدیر
جرالد معتبر نیویورک سالی
چهل هزار دو لار میگرفته
که برای یکی از جراید روزانه
سر مقاله بنویسد، مترجم نیز
خود یکی از مفاخر مشاهیر
نویسندگان ایران، دارای آثار
برازنده و تالیفات ارزنده
است، در زبان ترکی اسلامبولی
نویسنده ای دانا در فرانسه
مترجمی توانا و در لسان و
ادبیات عرب حتی در مصر و
عراق و شام معاصر محیط و
بی معنا شناخته شده است.
ما در این شماره نیز
نمونه هایی از آثار ایشان را نقل
و بخوانندگان گرامی عرضه
میداریم.



تاریخ ازدواج

اصل ازدواج

معمولاً مفهوم ازدواج عبارتست از يك بنياد اجتماعي، پس ازدواج یعنی رابطه بین مرد و زن که قانون یا عرف آن را شناخته باشد و بعضی حقوق و وظائف در آنچه برای مرد و زن که باهم ازدواج میکنند و چه برای اطفال آنان در برداشته باشد این حقوق و وظائف در بین اقوام مختلفه فرق میکند و باین جهت نمیتوان آنها را تحت يك تعريف کلی بیان کرد ولی البته در پاره ای قسمت ها وجه مشترك دارند ازدواج در همه جا بمنظور روابط جنسی است و جامعه این گونه روابط بین زن و شوهر را شرعی میدانند

وحتی حکم میکند که هر يك از طرفین ازدواج مکلف است امیال جنسی طرف دیگر را تا اندازه ای اقناع کند ولی آزادی روابط جنسی مسئله ای است که هنوز از نظر قانون مشخص نشده تا اگر زنا را جرم بدانند بطرف دیگر ازدواج حق فسخ پیمان زناشوئی را بدهند .

ضمناً ازدواج چیزهای دیگری هم غیر از همخواه شدن دارد و در عین حال يك بنیاد اقتصادی است که در حقوق مالکیت زوجین تأثیر دارد شوهر تا حدود امکان و لزوم مکلف است زن و فرزندانش خود را نگاهداری کند اما عیال و بچه ها هم ممکن است این تکلیف را داشته باشند که برای او کار کنند . بطور کلی شوهر تا اندازه ای بر عیال و بچه ها نفوذ دارد هر چند که این نفوذ و اعمال قدرت معمولاً مدت محدودی دارد غالباً در زناشوئی معلوم میشود که طفل در سازمان اجتماعی و جامعه ای که بآن تعلق دارد چه جایی را اشغال خواهد کرد ولی این مطلب را نمی توان عمل عمده ازدواج دانست زیرا در خیلی از موارد اطفال حرامی را درست همپایه اطفال شرعی قرار میدهند و از لحاظ رفتار والدین و قوانین ارث و جانشینی اطفال حرامی قرقی با سایر اطفال ندارند بالاخره بمنظور اینکه اتحاد زناشوئی بصورت ازدواج شناخته شود باید با قواعد عرف یا قانون مطابقت داشته باشد و این قواعد ممکن است رضایت طرفین ازدواج یا والدین آنان و یا رضایت هر دو را ایجاب کند و ممکن است مرد را مجبور کند بابت دختر مبلغی وجه بپردازد یا والدین دختر را ملزم سازد برای دختر جهیزیه بیاورند و ممکن است اجرای پاره ای مراسم مخصوص ازدواج را الزامی کند و اگر شرایطی که در قواعد عرف و قانون قید شده مراعات نکرده هیچ زنی را نمی توان عیال و هیچ مردی را نمیتوان شوهر دانست .

اما راجع باصل بنیاد ازدواج باید گفت که این يك عادت قدیمی است که تکامل پیدا کرده حتی در ازمنه قدیمه گمان میکنم يك مرد و يك زن و یا چند زن عادت داشته اند باهم زندگی کنند و بایکدیگر روابط جنسی داشته باشند و بچه هایشان را بالاشتراک پرورش دهند در حالی که مردم محافظون آن آور خانواده وزن خانه دار و شیرده برای بچه ها

بوده این عادت ابتدا جزء رسوم و بعداً بصورت قانونی در آمد و رفته رفته مبدل بیک بنیاد اجتماعی شد. اینک اگر بخواهیم مبداء و ازدواج را از نظر فقه تحقیق کنیم باید بفهمیم ریشه این عادت از کجا پیدا شده است و چون عادات مشابهی بین عده زیادی از انواع دیگر حیوانات وجود دارد کار مادر تحقیق این مسئله بسیار آسان خواهد بود در بین گروههای عظیم حیوانات غیر ذیمتقار روابط جنسی طوری است که احتیاج به پابند شدن ندارد و مادرها هیچ نگرانی بابت بچهها ندارند و در طبقه عالی تر یعنی حشرات حرارت آفتاب تخمها را جاندار میکند و در بسیاری از موارد مادر حتی بچههایش را نمی بیند و تنها چیزیکه برای آن مهم است پیدا کردن جای مناسب برای تخم گذاری است معدنک در چندین نوع از این حیوانات مادر مسئول تهیه جا و خوراک برای بچهها است و در بین بعضی از جانوران، نرها در کار شرکت میکنند و باماده در حفظ تخمها کمک مینمایند مثلاً کوپریس اسپانیائی در یک کومه پشگل گوسفند یک حفره درست میکند و آذوقه خود را در آن جمع مینماید.

در طبقات پست تر حیوانات ذیمتقار والدین کاری به بچهها ندارند در اکثریت عظیم انواع حیوانات مثلاً ماهیها بدون کمک والدین از تخم بیرون میآیند و ناچارند از همان ابتدا تنها وارد میدان نبرد زندگی شوند فقط بسیاری از تولهها مستثنا هستند و در بین آنها معمولاً تکلیف خانوادگی بعهدۀ نرها میباشد در بعضی موارد نرها آشیانه درست میکنند و تخمهایی را که مادهها گذاشته اند با حسادت حفاظت مینمایند اغلب خزندگان تخمهایشان را در یک مکان آفتابرو و لای علف و برگها قرار میدهند و کاری بآنها ندارند اما بعضی مارهای طویل هستند که تخمهای خود را بوضع عجیبی کومه نموده و خود دور آنها چنبر میزنند.

در بین حیوانات ذیمتقار پست بندرت دیده شده که والدین باهم از طفلشان مراقبت کنند ولی قاعده کلی و تقریباً عالمگیر این است که روابط نروماده خیلی بی ثبات است و نروماده در لحظه و موقع جفت گیری گرد هم میآیند و بمحض اینکه

امیال جنسی آنها اقلع شد فوراً از یکدیگر جدا میشوند و دیگر کاری باهم ندارند .
 در بین اکثریت عظیم پرندگان این موضوع کاملاً فرق میکند چونکه در اینجا
 نرماده نه فقط در فصل جفت گیری باهم زندگی میکنند اما بعداً نیز این قسم زندگی
 ادامه دارد و غریزه پدری هم در پرندۀ نرو هم در ماده بسیار تقویت میشود و هر دو پرندۀ
 نرماده در ساختن آشیانه بایکدیگر کمک میکنند پرندۀ نر معمولاً مصالح را میآورد
 و پرندۀ ماده لانه را میسازد و هر یک از آن دو تکالیف بيشمار فصل جفت گیری را
 بر عهده میگیرد خوابیدن روی تخم بیشتر بر عهده مادر است اما پدر هم او را کمک
 میکند و هر وقت مادر ناچار شود از لانه بیرون برود پدر جای او را میگیرد و برای او
 خوراک میآورد و او را از هر خطری محافظت میکند پس از باز شدن و شکستن تخمها
 پرندگان اغلب کمتر از لانه خارج میشوند مگر اینکه بخواهند غذا برای خودشان
 و جوجهها بیاورند و در صورت خطر والدین با رشادت تام از جوجههای خود دفاع
 میکنند بمحض اینکه دوره اول زمان سپری شده و جوجهها کمی بزرگ شده باشند
 والدین بآنها یاد میدهند چگونه بتنهایی وارد میدان زندگی شوند و جوجهها هم
 فقط پس از اینکه توانائی زندگی مستقل را پیدا کردند از لانه و از نزد والدین خود
 خارج میشوند .

در بین عدهای از پرندگان جوجهها در همان روزهای اول پس از خارج شدن
 از تخم تنهایی میمانند و والدین اعتنائی بآنها نمیکند و در مورد بعضی انواع مانند مرغابی
 اغلب اتفاق میافتد که پرندۀ نر تمام کارهای خانوادگی را به پرندۀ ماده واگذار میکند
 ولی بطور کلی در سختیها و خوشیها باهم شریک هستند بعقیده یکنفر دانشمند بنام
 بسیاری از پرندگان با استثناء طایفه ماکیان و چند نوع دیگر همینکه جفت گیری کردند
 تا هنگام مرگ باهم وفادار میمانند و این موضوع طوری دانشمند مزبور را به تحسین
 واداشته که گفته است : « ازدواج حقیقی فقط نزد پرندگان وجود دارد »

این موضوع در مورد اغلب پستانداران صدق نمیکند و مادر البته برای آسایش
 بچههایش زحمت میکشد و با محبت تام از آنها پرستاری مینماید ولی در اکثر انواع

روابط بین نرو ماده منحصر است به فصل جفت گیری و گاهی نر حتی نسبت با اولاد خودش رویه خصمانه پیش میگیرد معذک در بعضی انواع اتحاد بین نرو ماده صورت با دوام تری دارد چنانکه نهنگ ها و کرگدن و آهو و سنجاب و موش کور و بعضی از گوشتخواران مانند بعضی انواع گربه و حتی گریک بطوریکه میگویند نرو ماده حتی بعد از بدنیا آمدن توله ها با هم زندگی میکنند و حیوان نر کار حفاظت خانواده را بر عهده دارد .

همچنین در مورد شبه انسان بنام گوریل این اطلاعات بدست آمده است که در هر دسته از آنها فقط یک نر دیده میشود و هر وقت گوریل نر را اول دفعه ببیند شروع میکند بزوزه کشیدن بطرز وحشتناک و صدای آن در جنگل می پیچد و باشنیدن اولین صدا ماده ها و کوچولوها بسرعت از نظر ناپدید میشوند بعداً با حال فوق العاده خشمگین و ضمن کشیدن فریادهای هول انگیز بطرف دشمن هجوم میآورند بعضی ها میگویند که گوریل ها بطور دسته جمعی زندگی نمیکنند بلکه یا بطور جفت و یا تک و فقط گوریل های جوان را گاهی بطور دسته و گله دیده اند و موقعیکه یک خانواده گوریل برای خوردن میوه از درختی بالا میروند پدر بزرگ در پای درخت می نشیند و موقعیکه گوریل ماده سیر شد یک لانه بی قواره بالای درخت میسازد و گوریل نر شبها را پای درخت چنبا تمه میزند و پشت خود را بدرخت تکیه میدهد تا میمون ماده و بچه ها را که در لانه بالای درخت خوابیده اند حفاظت کند چون شبها بیره ها حمله می کنند و هر وقت یک خانواده گوریل مورد تهدید بومی های افریقائی واقع شود میمون نر با آنها حمله میکند. از این اطلاعات معلوم میشود که گوریل ها بطور دسته های خانواده ای زندگی میکنند که شامل است از یک نر (یا گاهی دو نر) و یک یا چند ماده و یک یا چند بچه و میگویند رفتار میمون شمپانزه هم خیلی بگوریل شباهت دارد و شمپانزه ها را یا بطور جفت یا بطور تک و تنها دیده اند و فقط شمپانزه های جوان بطور دسته حرکت میکنند و روی یک درخت بندرت بیش از یک یا دو لانه این حیوان دیده شده و گاهی مشاهده نموده اند که شمپانزه های پیر زیر درخت نشسته و میخواستند میوه بخورند و بطور دوستانه مشغول صحبت بوده در حالیکه بچه های شان

این طرف و آن طرف میدویده و بازی میکرده اند یا از این شاخه بآن شاخه درخت تاب میخورده اند.

اگر از خود پیرسیم چرا در بعضی انواع حیوانات عادت بر این است که نر ماده نه فقط در موقع جفت گیری بلکه پس از بدنیا آمدن توله باز هم با هم زندگی میکنند گمان میکنم پاسخ آن مشکل نباشد زیرا بموجب عمل انتخاب طبیعی یک غریزه ای در حیوانات بوجود آمده که آنها را وادار میکند نسل بعدی و نوع خود را حفاظت و نگاهداری نمایند باین جهت است که نر نه فقط باماده زندگی میکند بلکه از آن و بچه ها نگاهداری مینماید. غرائز زناشوئی و محبت مادری برای بقاء بعضی انواع لازم است هر چند که وسائل دیگری نیز وجود دارد که بقاء نسل حیوان را تأمین مینماید.

در میان حیوانات غیر ذیعقار و ماهی ها و خزندگان والدین معمولاً اعتنائی به اولادشان ندارند باین جهت تعداد بسیار کثیری از بچه های این حیوانات قبل از رسیدن بحد بلوغ از بین میروند ولی چون تخم گذاری آنها زیاد است نسلشان باقی میماند و مثلاً اگر هر یک دانه تخمی که ماهی های ماده میگذارند از بین نمیروند و بزرگ میشد آن وقت تمام دریا های جهان هم برای جادادن باین ماهی ها کافی نبود تخم های خزندگان احتیاجی بمراقبت های مادر ندارد و نطفه در اثر حرارت آفتاب مبدل بحیوان میشود و کوچولوها از همان ابتدا قادرند که بتنهائی مانند بزرگها وارد میدان زندگی شوند ولی در میان پرندگان مراقبت های والدین یک احتیاج حتمی است و یک حرارت ثابت و مداوم لازم است تا نطفه را جاندار کند مادر همیشه به کمک پدر محتاج است زیرا پدر برای او غذا میآورد و گاهی بجای او روی تخمها میخوابد در بین پستانداران بچه ها هرگز نمی توانند در طفولیت از توجه مادر بی نیاز باشند ولی کمک پدر بطور کلی لازم نیست.

در میان شبه انسانها حالات و شرائطی است که احتیاج بحفاظت و مراقبت از طرف والدین را توجیه میکند و اولاینکه تعداد اولادشان کم است و ماده هر دفعه بیش از یک

بچه‌نمیزاید ثانیاً دورهٔ کودکی درازاست میگویند میمون اوران اوتان پس از پانزده سال بحد بلوغ کامل میرسد و علت اینکه زندگی خانوادگی شبه‌انسان باندازهٔ خانوادهٔ گوریل و شمپانزه مرتب نیست شاید کمتر بودن مخاطرات باشد و ظاهراً اوران اوتان دشمنی که قدرتش برابر آن باشد غیر از انسان ندارد و میگویند يك اوران اوتان نمیتواند در صورتیکه تحریک شود به يك آدم تنها حمله کند. بعلاوه هیچ شبه انسان نمیتوان جزء حیواناتی که بطور دسته جمعی زندگی میکنند محسوب داشت شبه انسانها از این لحاظ با حیواناتی که واقعا میمون هستند تفاوت دارند و علتش هم شاید این باشد که قدشان بلندتر است و برای حفاظت خودشان چندان احتیاجی به تشکیل دسته و گروه ندارند و از طرف دیگر زندگی این شبه انسانها بطور دسته جمعی مشکل تر میشود چونکه مقدار خوراکیشان زیاد خواهد بود. میگویند گوریل کمتر اتفاق میافتد دوشب در یکجا بماند و خانواده‌های گوریل برای جستجوی غذا در جنگل گردش میکنند و شمپانزه‌ها موقعیکه میوه‌ها می‌رسند عده‌شان زیادتر میشود از این رو معلوم میشود که چون در سایر مواقع سال پیدا کردن غذا مشکل است خانواده‌های این میمون‌ها جدا جدا زندگی میکنند و اینکه میمون‌های بومی کامرون خیلی اجتماعی تر بسر میبرند مر بوط است به فراوانی میوه‌ها در جنگلهای وسیع بطوریکه میمون شمپانزه برای سیر کردن شکم خود زحمت زیادی نمیکشد.

اگر از شبه انسانها بگذریم و سراغ انسان برویم همین پدیده را مشاهده خواهیم کرد چه در میان پست‌ترین وحشی‌ها و چه در میان مردم بسیار متمدن. خانواده‌ها از والدین و بچه‌ها تشکیل میشود و پدران مسئول حفاظت و غذا دادن بخانواده‌ها هستند. در پاره‌ای موارد استثنائی بموجب رسوم جاریه شوهر بازنش زندگی نمیکند اما گاهی‌ها او را در خانه خسوره می‌بینند و بچه‌ها هم نزاد و هستند غالباً میگویند که برادر مادری یعنی دائی بیشتر بگردن بچه‌ها حقد دارد تا پدر، با این حال مشکل است تصور کنیم که پدر تا موقعیکه در خانهٔ خود زندگی می‌کند واقعا هیچگونه اختیاری نسبت به بچه‌هایش نداشته باشد.

پس از مطالعه احوال مردمی که در سرتاسر جهان زندگی میکنند باین نتیجه رسیده‌ایم که در هر خانواده وظایف شوهر و پسر منحصر بداشتن روابط جنسی برای تولید نسل نیست بلکه محافظت عیال و بچه‌ها نیز از تکالیف شوهر است در بین بعضی اقوام برای یکمرد شرم آور است که بیش از یک عیال اختیار کند و از عهده تکفل آنان بر نیاید در بین بعضی از طوائف در مرکز یک رسم است که پدر داماد در شب عروسی نطقی ایراد میکند باین شرح که داماد باید شکار برود و برای عیالش گوشت بیاورد حتی اگر شده گوشت موش و باید همچنین زمین را شخم بزند حبوبات بکارد و محصول رادرو کند تا اینکه زن و شوهر خوراک داشته باشند و گرسنگی نکنند. در بین بعضی اقوام یک جوان حق ندارد در فکر ازدواج بیفتد مگر وقتی که یک شکارچی خوبی بشود و قدرت نان در آوردن را در خود احساس کند و در بعضی از طوائف افریقای شرقی یک زن در صورتیکه شوهرش ازدادن نان و لباس و مسکن باو غفلت کند حق دارد او را ترک نماید.

چون شوهر و پسر خانواده مسئول تهیه غذا و محافظت خانواده است هر مردی که بخواهد ازدواج کند باید قبلاً ثابت کند که از عهده انجام وظایف زوجیت بر می آید.

بزرگترین دروغها ولو آمیخته به دهاء و نبوغ باشد در مقابل
کوچکترین حقیقت بی اثر است.
مورین مترلینک

وطن دوستی

«کالبا» امپراتور روم هنگامی که گردن بزیر تیغ میداد روی
بجلاد کرد و گفت: «بزن اگر برای خیر روم و ملت روم میزنی»
مونتسکیو

اگر ما بتوانیم

عشق بدنامی و فهم حقایق

و کشف علل رادر خوانندگان گرمی

به جنبش آدریم و تقوای راه متضمن

محبت عمومی و عاری از غرض

خصوصی است حرکت ما می آید

میجویم خود به سر اعمان خواهد آمد



شہزاد شاہ علم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی